

## بخاطر آوردن گذشته

### سال های اولیه روابط امریکا-افغان ها

تاریخ افغانستان مدرن از قرن هیجدهم با هم آئی قبیلہ های افغانی در طی سلطنت احمد شاه دورانی انجام گرفت. کوچک شدن و گسترش مرزها مظهر چیزی شد که نقشه کنونی را در زمان رهبری دوست محمد در این قرن تهیه کرد. با امضای پیمان راولپندی در اگوست ۱۹۱۹، ملت مدرن افغانستان تحت رهبری امیر امان الله شکل گرفت. در سال ۱۹۲۱، امیر نماینده ای به رهبری محمد ولی در تور کشورهای غربی برای ایجاد شناخت و امور دیپلماتیک برای کشور تحت السلطه خود اعزام داشت. موقع بازگشت آنها به کابل، این نمایندگان مکتوب هایی آوردند که باعث خوشحالی و هیجان بزرگی شد: سلام و تهنیت پرزیدنت وارن جی. هاردینگ رئیس جمهور ایالات متحده امریکا.

پرزیدنت هاردینگ، مانند بیشتر امریکائیان زمان خود، اعلام داشت که افغانستان یک سرزمین شگفت انگیز و نادری در آن سوی دنیا است. هاردینگ سلام و درودی ارائه کرده بود که جرقه اولیه ای برای روابط شیرین و باثمر و دراز مدت بین دو ملت شد. این با موفقیت هایی که اغلب در تاریخ فراموش می شود، مشخص بود ولی در حافظه هایی که آنها را تجربه کرده بودند روشن و آشکار باقی ماند. بیش از نیم قرن بعد از زمان محمد ولی، دولت ایالات متحده امریکا، بیش از ۵۰۰ میلیون دلار برای پروگرام های کمک و انکشاف در افغانستان هزینه کرد. تا دهه ۱۹۷۰، معلمین، انجینیرها، داکتورها، محقق ها، دیپلمات ها و سیاحان امریکائی زیادی به سرزمین زیبای افغانستان با مناظر حیرت آور مسافرت کرده اند که آنها همراه شهروندان افغان کار و زنده گی کردند. این دیدارکنندگان با زیبایی بی همتا و منحصر بفرد کشور و مهربانی غیر قابل مقایسه مردم این کشور جلب شده بودند. مشابها، افغان های بیشماری برای مطالعات و تحصیلات آکادمیک، ترینینگ، استخدام، تجارت، و ملاقات های رسمی به ایالات متحده امریکا رفتند و روابط نزدیکی با امریکائیان بنیان نهادند. هدف نهایی این مشارکت ایجاد متخصصین افغان و عمله های متخصص و حرفه ای که مهارت آنها به جنریشن بعدی منفعت برساند.

مذاکره پرزیدنت هاردینگ و میسیون افغان در جولای ۱۹۲۱ انجام شد. این نمایندگی به نیویورک در زمانی وارد شد که افراد مقیم افغانی خود را پرنسس فاطیما نامیدند. هر دو طرف علاقه خود را در ملاقات پرزیدنت با فاطیما و دیدار اطرافیان او از کاخ بیاض فقط چند روز قبل از ملاقات نمایندگان رسمی افغان اظهار داشتند. پرزیدنت هاردینگ بعدا اظهار داشت که دیدار پرنسس بیش از نتیجه رسمی، نوآوری، علت شخصی داشت. سپس دیپلمات امریکایی کورنلیس وان اچ. انگرت در سال ۱۹۲۲ به افغانستان سفر کرد و یک راپور کاملی درباره افغانستان نوشت. مسافرت والی و انگرت مراحل مهمی در جهت تاسیس روابط دیپلماتیک بود، ولی آنها اولین مثال هایی از تماس و ارتباط افغان ها و امریکائی نبودند. بین سال های ۱۸۲۸ و ۱۸۴۱، یک پنسیلوانیایی به اسم جوسیا هارلان که در افغانستان زنده گی کرد، وازماجراها و سرگذشت وی در داستان معروف رودیارد کیپلینگ به نام مردی که پادشاه خواهد شد، الهام گرفته شده است. علیرغم کمرنگی رکورد های تاریخی، منابع دست دوم پیشنهاد کردند که چندین نفر از امریکائیان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به افغانستان رفتند.

درحالی که مانند هارلان شناخته شده نیست، یکی از جالب ترین امریکاییهایی که در زمان های اولیه در افغانستان زنده گی می کند، ای . سی . جویت که در اصل یک انجینیر در شرکت جنرال الکتریک، که توسط امیر حبیب الله از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۹ استخدام شده، بود. موفقیت جویت در ساخت اولین طرح هایپرولیک کشور در جبل سراج نزدیک کابل مثال بزرگی تخصص تخنیکی و حسن نیت بود. او تاثیر مثبتی بجا گذشت که جین وان کوور، یک نیویورکی که در سال ۱۹۲۳ به کابل رفت، تجربه او را چنین نوشت، " علیرغم. . . نداشتن هر گونه معلومات زبانی من از این کشور، من کارهایم را خیلی خوب اداره کردم و کلمه "امریکایی" را به عنوان کلید همه قلب ها یافتم. کار جویت، بعلاوه مکتوب پرزیدنت هاردینگ، در تجارت حساس افغان ها- امریکایی ها ، میان آنها" سندیکای واندربلیپ" را در سال ۱۹۲۲ را باز کرد. تا آخر دهه، دو نویسنده امریکایی از مجله آسیا به تمام کشور مسافرت کردند و مناظر سرزمین و مردم آن را به مردم معرفی کردند. به تدریج، امریکائی ها شروع به یادگیری درباره افغانستان کردند.

در طی دهه ۱۹۳۰، تعداد مسافران امریکایی افزایش یافت. در میان آنها توریست ها، تجار، نویسنده ها و محققین بودند. در سال ۱۹۳۳ داگار وال تئودور روزولت جی آر، که عمویش به عنوان پرزیدنت تازه انتخاب شده فرانکلین دی. روزولت و همسرش در کابل اقامت کردند. آنها با بوق و کرنا خوشامد گویی شدند و با رضایت پادشاه نادرشاه برای همکاری به امریکا بازگشتند. شکی نیست که ای.سی جویت به شهرت خود برای مشارکت با درخواست دولت افغانستان برای انجینیران امریکایی که در افغانستان کار کنند، در میان آنها رکس ویویان و ارنست فوکس در نیمه دهه ۱۹۳۰ بود، ادامه داد. آن تصادفی نیست که این دوره شاهد واردات تراکتورهای امریکایی کاتیرپیلاربه افغانستان بود. رهبران افغان که ارزش میزبانی از معلمین انگلیزی زبان از امریکا، شامل مربیان که در پایتخت و هرجای دیگری مانند جی.فلیکس هاولند و ویلیبار وی. هارلان خویشاوند دور جوسیا هارلان بودند ، شناختند.

تا سال ۱۹۳۲، جوان های مساعد افغان تحصیلات خود را در یوفنون های معروف امریکایی شروع کرده بودند. این طلبه ها، که از آنها پیروی کردند، به خانه برگشتند تا داکتور، انجینیر، معلم، سفیر و حتی نخست وزیر بشوند. همگام با پرزیدنت روزولت در سال ۱۹۳۴ و اطلاع از به تخت نشستن محمد ظاهرشاه و قرار ملاقات با وزیر امریکایی غیر مقیم(پیشقدم سفیر رسمی) در سال بعد، افغان ها فرصتهایی یافتند که ایالات متحده امریکا شریک آنها در انکشاف اجتماعی و اقتصادی بشود. در سال ۱۹۶۳ دو ملت یک قرارداد شرطی برای "دوستی، دیپلماتیک و نمایندگی کنسولی" امضاء کردند. اگر میسیون ایالات متحده امریکا برای تاسیس در کابل با نومییدی بزرگی تاخیر کرد، ایالات متحده امریکا و افغانستان راههای میانبری رفتند که با همدیگر مذاکره و مراوده کنند. مراسم افتتاح پست دیپلماتیک امریکایی در سال ۱۹۴۲ موقعی که وزیر مختار کورنلیس وان اچ. انگرت، بیست سال بعد از دیدار اولیه خود از پایتخت، از پادشاه ظاهر شاه مکتوب اعتبار دریافت داشت. در طول عمر دوست افغانستان بود و برای آن ایثار می کرد، انگرت در تلاش های خود با دیپلمات های دیگر ایالات متحده امریکا مانند چارلز دوبلیو تاینر و سرگرد گوردون اندرس، وابسته نظامی سفارت کمک می شد.

تاینر بعدا خاطرات خود را نشر کرد، و در بخش افغانستان بر دوره همکاری دوستانه اشاره کرد. او از دوست صمیمی خود چوپان بلجیکی بنام "کوتوله" نام برد که با چوپان آلمانی برنده جایزه شاهانه، مالداری می کردند، و پنج کره

اسب تربیت کردند که به عنوان هدایا به عایله سلطنتی اهدا کردند. تایلر حتی هنر قوش بازی را از قوش باز محکمه , عبدالله یاد گرفت. در همان موقع, وزیر انگرت و سرگرد اندرس یک موتر دوج حربی برای بازدید از مواضع حربی دشمن برای پادشاه ظاهر شاه تهیه و اهدا کردند. در سال ۱۹۴۳, عبدال الحسین عزیز, اولین وزیر افغان در ایالات متحده امریکا, توسط پرزیدنت روزولت پذیرفته شد و شروع به انجام سفرهایی در واشنگتن دی. سی کرد. یک عصر طلایی از روابط ایالات متحده امریکا- افغان ها شروع شده بود.

تا سال ۱۹۴۸, امریکایی ها بزرگترین جامعه افراد مقیم غربی در افغانستان بودند. این تا سال ۱۹۴۶ زمان کار موریسون- کنودسن , یک شرکت ساخت و ساز که برای انجام پروژه بزرگ وانبوه برای توسعه صنعت و ایجاد اساس زراعت نیرومند در یک چهارم از اراضی جنوب غربی کشور استخدام شد, ملاحظه شد. بعدا به عنوان "مقام دره هلمند" معروف شد, HVA یکی از بزرگترین تلاش های افتخارآمیز در نوع خود بود. هدف فراهم کردن زمین حاصلخیز مناسب برای ولایت هلمند و برق برای حمایت از جمعیت در حال افزایش افغان با ساخت سدهای زیاد برای تامین آب برای زراعت, ستاسیون های برق هایدروالکتریک و صدها مایل کانال آبیاری بود. HVA احتمالا بهبود توسعه هایی در زراعت, ایجاد ساختار داخلی صحی و آموزش, احیا و انکشاف زمین ها , و ساخت سنتر پذیرشگری, مدل شهر لشکرگاه انجام داده است. مراحل اولیه این همکاری بین افغانستان و موریسون-کنودسن دروازه کارهای حساس همگانی روابط دول امریکا و افغان را در طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بنیان نهاد.

در سال ۱۹۴۹, ایالات متحده امریکا یک وام ساخت و ساز در دره هلمند را تایید کرد و در طی چندین سال معاونت پذیرشگری همکاری بین المللی (ICA) در افغانستان تاسیس شد. کار کردن با همدیگر , با افغان ها, دورنمای پروژه های مشخصی را در طی دهه ۱۹۵۰ نشان داد و بخشی از موسسه ایالات متحده امریکا برای انکشاف بین المللی (USAID) در سال ۱۹۶۱ شد. چنین قبول مسئولیت هایی ملازم آرزوی دراز مدت دولت افغانستان برای بهبود ساختار داخلی ملی و حصول اطمینان از دادن قول به جوانان افغان برای تعلیمات لازم برای انجام فعالیتهایی از طرف عموم بود. افراد فارغ التحصیل این پروگرام و افرادی که در نوآوری هایی در افغانستان شرکت کردند با ICA و تشکیلات تماس آن مدیریت شدند و به وزارتخانه ها وارد شدند , به شهروندان دوست تدریس کردند و نقش های رهبری را در زمینه تخصص و مهارت خود به عهده گرفتند. همچنین امریکایی ها از شرکای همتای خود و از مشارکت کنندگان از هر دو کشور یاد گرفتند که برای انجام و جایگزینی اهداف عمومی و همگانی احساس غرور بکنند.

مثال هایی از پروگرام های همکاری شامل پیشرفت و انکشاف آموزشی و مبادلات با کالج معلمین یوفنون کلمبیا, یوفنون ویومینگ و دیگری ها می باشد. بعلاوه, یک کامپوس جدید در یوفنون کابل و یک بزرگراه با فاصله دراز توسط انجینییران کندک عسکری ایالات متحده امریکا احداث شد. مشارکت بین خطوط هوایی آریانای افغان و خطوط هوایی جهانی پان آمریکن نتیجه ترینینگ برای پیلوت های افغان و خدمه پرواز را به همراه داشت. احداث میدان هوایی بین المللی قندهار همچنین یک کار حساس مشارکتی بود. گروه های صلح, داوطلبان امریکایی را برای کاردر آموزش, مراقبت صحی و بخش های خیریه فرستاد. آنها وظایفی در وزارتخانه ها ایفا کردند, در انکشاف مناطق روستایی شرکت

کردند و دوستی نزدیکی با افغان ها شکل دادند. بنیاد آسیا حمایت در فیلهای زیادی را فراهم کرد , درحالی که CARE و موسسه های خصوصی دیگر همچنین فعال بودند.

در اواخر دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰, دیدارهای وزرای افغان از ایالات متحده امریکا و دیدار مقامات رسمی امریکایی از افغانستان روابط بین دو کشور را تقویت کرد. موارد مشخص شامل مسافرت عمومی پادشاه ظاهر شاه , شاه محمود برای ملاقات با هری اس. ترومن در واشنگتن دی. سی و معاون پرزیدنت ریچارد نیکسون موقع اقامت موقتی در کابل در سال ۱۹۵۳ بود. بعلاوه, نخست وزیر محمد داوود درسال ۱۹۵۸ به امریکا رفت که او از کنگره ایالات متحده امریکا دیدار و با پرزیدنت دوايت دی. آیزنهاور قبل از انجام تورسراسری ملی ملاقات کرد. این تماس ها در سال ۱۹۵۹ با ورود تاریخی پرزیدنت آیزنهاور به کابل منجر شد. هزاران افغان از مایل ها در اطراف سرک لاین کشیده بودند تا نگاهی از "Ike" و کارهای زمینی که برای پادشاه و ملکه برای دیدن ایالات متحده و ملاقات با مردم امریکایی کرده بودند , داشته باشند.

دیدار پادشاه ظاهر شاه و ملکه حمیرا با جان اف. کندی در کاغ بیاض در سپتمبر ۱۹۶۳ انجام گرفت. سفر عایله سلطنتی تا حد زیادی موفقیت آمیز بود و آنها به ده شهر فقط در مدت دوازده روز مسافرت کردند. پادشاه با سواری از مقابل مردم در نیویورک و واشنگتن دی. سی رژه رفت, در سان فرنیسیکو و دیسنی لند از او به گرمی پذیرائی شد و درباره پروگرام فضایی ایالات متحده امریکا در کیپ کاناورال چیزهای زیادی آموخت. او همچنین دکترای افتخاری از یوفنون ویومینگ با موضوعی که دولت افغان پروگرام زراعی دراز مدت درباره آن داشت, دریافت نمود. فقط چند هفته بعد از بازگشت به کابل , پادشاه و ملکه با شنیدن خبر قتل پرزیدنت کندی شوکه شدند و پیام تسلیتی برای بیوه گریان و غمگین او فرستادند. هنگامی که دوستی بین ظاهر شاه و پرزیدنت متاسفانه کوتاه مدت بود, حسن نیت بین افغانستان و ایالات متحده امریکا در موارد زیادی ادامه یافت.

در طی اوج روابط ایالات متحده- افغان در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰, تعداد زیادی پروگرام های فرهنگی توسط دولت ایالات متحده امریکا سرپرستی و کفالت شد که تاثیر مثبتی برای آرتیست ها, سازماندهندگان, و تماشاچیان از هر دو کشور همراه داشت. کنسرت ها و موارد اجرایی دیگر توسط موسیقیدانانی مانند گروپ دروازه طلایی و پیانیست آن شاین, چهره جاز دیو بروبک و دوک الینگتون و گروپ رقص که شامل جفری بالت بود , انجام شد. نیروی هوایی ایالات متحده امریکا در باند اروپا زمینه همگانی با آرتیست ها و موسیقیدانان یافت که آنها در نمایشگاه جشیان در سال ۱۹۶۸ ایفای نقش کرده بودند, یک جشن در اگوست هر سال برای بزرگداشت استقلال افغانستان برپا می شد. فیلم های امریکایی بطور منظمی در افغانستان تا دهه ۱۹۴۰ نمایش داده می شد و مدیای دیگر امریکایی هم مانند آنها پخش می شد. کتابخانه سرویس معلوماتی ایالات متحده امریکا(USIS) و سنتر فرهنگی در کابل یک محل مهم برای امریکائیان و افغان ها بود که باهم ملاقات کنندو بهتر همدیگررا درک کنند. آن فیلمهایی را نمایش می داد, پروگرام های اجرایی تئاتر و نمایشگاههای هنری را هم میزبانی می کرد, و کلاس های انگلیزی توسط افغان هایی که در کالج یوفنون معلمین کلمبیا آموزش دیده بودند, برگزار می شد. سنتر منابعی برای افراد مقیم امریکایی برای یادگیری بیشتر درباره فرهنگ و میراث خانه جدید آنها فراهم کرد.

این همچنین دوره توصیف علمی بزرگی بود که باستان شناس های امریکایی و تاریخدانان با توصیفات غنی از گذشته این ملت که در سلسله کوههای مرکزی آسیا، جنوب آسیا و شرق میانه قرار گرفته ، علاقمند شدند. دیدارهای اولیه توسط نویسنده لوول توماس در سال ۱۹۲۲ و تاوانشن جانسون افراد مقیم در سال ۱۹۳۷ نفوذها و تاخت و تازهای مهمی به میراث فرهنگی افغانستان بودند. اما این مورد تا سال ۱۹۴۹ نبود که تحقیق امریکائیان واقعی تحت رهنمایی فرعی فارغ التحصیلان هاروارد والتر فیرویس و لوئیس داپری شروع شد. بعدا با سالها کارکردن همراه با همسر خود نانسی هاتچ داپری، یکی از محقق های معروف و فعالان برای مردم افغان شد. یوفنون موزیم پنسیلوانیا حفاری در افغانستان را در سال ۱۹۵۳ بعد از اعلام شگفتی و تعجب مدیر موزیم فرولیش رینی از این کشور قدیمی دست اول شروع کرد. تلاش های علمی تا دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت. بعضی از نوت های مهم مشارکت کنندگان امریکائیان بودند که بطور نزدیکی با محققین افغان برای مطالعه و نشر مقالاتی درباره خزانه های ملی موزیم کابل کار کردند.

شاید مناسب ترین واقعه فرهنگی عصر طلایی در نمایشگاه جشیان ۱۹۵۶ اتفاق افتاده است. ایالات متحده امریکا تصمیم گرفت که ماهها بعد از ساخت و ساز به نمایشگاه وارد شود و پاپیون ملی دیگری شروع شده بود و نیاز به ساخت یک بنا با سرعت زیاد و حیرت آور بود. موسسه معلوماتی ایالات متحده امریکا (UDIA) به نوآوری انجینیئر آر.باک مینیستر فولر که قطعاتی با دیامتر ۱۰۰-فوت برای گنبد جنودیسک ساخته و طراحی کرده بود فوراً به کابل پرواز کرد. پاپیون تکمیل شده، اولین کار امریکا در افغانستان ، باعث حساسیت ، هم برای صافی و براقی، شکل آینده نگر شده و هم باعث شده بود که عمله های افغان دو روز سرکار بمانند. ایالات متحده در نمایشگاه جشیان بعدی مشارکت کرد، اما پاپیون دیگر هرگز با هیبت- الهام بخش "عظیم" گنبد سال ۱۹۵۶ مطابقت نکرد.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ یک دوره نامتوازن انکشاف اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، منتهی به بخش مهمی از سالهای مشارکت ایالات متحده- افغان درمورد پروگرام های ترینینگ و ایجاد ساختار داخلی بود. بعلاوه بر تلاش های آتی، انجمن رهنمایی عایله افغان ها امور صحی زنان و بچه های افغان را با ترینینگ نرس ها و ماماها از مناطق روستایی بهبود و توسعه داده بود. مطالب درسی و پروژه کتاب های متنی، که توسط USAID و وزارت آموزش افغان پروگرام های نوآوری را با کالج معلمین یوفنون کلمبیا برای کمک به نوشتن کتاب های مکتب اولیه به زبان دری و پشتوشروع کرده بود. پروژه ترینینگ انکشاف ملی پذیرشگران دولت افغان درمهارت های مدیریتی و موضوعات قانونی توصیه کرد. تلاشگران مشارکتی با مواجهه بین نمایندگان رده بالای دولتی در کابل و واشنگتن دی.سی نکه داشته شدند. اینها شامل ملاقات نخست وزیر محمد میواندوال با پرزیدنت لایدون بی. جانسون در کاخ بیاض در سال ۱۹۶۷، مسافرت وزیر امور خارجه ویلیام راجرزبه کابل در سال ۱۹۶۹ و سفر معاون پرزیدنت اسپرو آگنیو به افغانستان در سال ۱۹۷۰ بود.

با آمدن حکومت محمد داوود در سال ۱۹۷۳، ایالات متحده امریکا در کار با افغان ها برای بهتر شدن کشورباقی ماند. امریکا میلیون ها دالر درپروگرام های با کمک مالی USAID ( برای مثال کارهای مناطق روستایی ایالات متحده امریکا- افغان و پروژه های فاضلاب ایالات متحده امریکا-افغان) سرمایه گذاری و به حمایت از HVA که حالا به عنوان

"مقام دره هلمند- ارگنداب" یا HAVA شناخته شده , ادامه داد. نوآوری های آموزشی مانند پروگرام فولیرایت, به هم آئی امریکائی ها و افغان ها با همدیگر در زمینه های مثبت ادامه داد. وزیر امورخارجه, هنری کسینجر در طی این دوره دوبار از کابل دیدار کرد, در سال های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶, درحالی که نماینده محمد نعیم با پرزیدنت جرال آر فورد در کاخ بیاض در طی روز جشن های دویست ساله ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۷۶ دیدار کرد.

امروزه, نزدیک به شصت سال بعد از اینکه ICA نوآوری های خود را شروع کرد و یک قرن از ورود ای. سی جویت به کابل می گذرد , آن پروژه خاصی نیست که بخاطر نگه داشته شود. بجای آن, خاطره افغان هایی که در ایالات متحده امریکا برای ترنینگ و آموزش اقامت کرده اند , و مجموعه های جدید امریکائینی که در افغانستان به عنوان افراد متخصص و داوطلب کار کرده اند , وجود دارد. چنین تجارب موثر در زنده گی مسافران از هر دو کشور, و روابط جایگزین شده ایالات متحده امریکا و افغانستان, نباید فراموش شود.

داکتور. فریدریک تی. هایبرت  
داکتور کورتیس ان. سندبرگ  
داکتور کریستوفر پی. تروننون